

فطرت‌گرایی توحیدی

یونس باقری

تصویرگر: سید میثم موسوی



یکی از جان‌مایه‌های تربیت اسلامی مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و رهنامه تربیت رسمی و عمومی، «فطرت‌گرایی توحیدی» است. این آموزه مهم ترجیح‌بند بسیاری از گفتمان‌های آموزشی و مدیریتی نیز محسوب می‌شود. تاکنون کمتر کسی این واژه مهم کلیدی را با زبان ساده و قابل فهم تبیین کرده است. در این فرصت توفیقی شد تا از دست‌نوشته یکی از کارشناسان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی، آقای یونس باقری، بهره‌مند شویم که ارائه آن در دو شماره از نشریه رشد مدیریت مدرسه ضروری و با اهمیت به نظر می‌رسد.

به جرئت اظهار داشت، اگر همکاران عزیز بنا به سلیقه و علاقه شخصی به دنبال مطالعه نظرات اسلامی در خصوص انسان نروند، تقریباً چیز قابل فهمی در دانشگاه‌های ما به آنان گفته نمی‌شود. در حالی که نوع نگاه قرآن کریم به انسان، با آنچه در غرب به انسان نگریسته می‌شود، تفاوت اساسی دارد! در اسلام شخصیت انسان را شاکله او می‌نامند که این شاکله براساس اعمال او منسجم می‌شود و شکل می‌گیرد. خداوند می‌فرماید: تمامی انسان‌ها را براساس فطرت الهی خلق کرده است. (روم/۳۰) از این رو لازم است تمامی همکاران محترم مدرسه‌ها از موضوع «فطرت» فهم مشترکی داشته باشند تا

قرآن کریم انسان را موجودی می‌داند که براساس فطریات مختلفی خلق شده است؛ مانند فطرت خداجویی، خلاقیت، زیادوستی، حقیقت‌جویی، استقلال‌طلبی و عدالت‌خواهی. همکاران مدرسه‌ها که عموماً درس‌های مربوط به روان‌شناسی تربیتی را در دانشگاه‌ها می‌خوانند، معمولاً با دیدگاه‌های دانشمندان غربی در این خصوص آشنا می‌شوند. هر چند پس از انقلاب اسلامی، درسی به نام «علم‌النفس» هم به این درس‌ها اضافه شد، ولی رکن اصلی نظرات روان‌شناسی و مشاوره، همان دیدگاه دانشمندان غربی است که به صورت جزوه و کتاب‌های ترجمه‌شده تدریس می‌شود. تقریباً می‌توان

حیوانات می‌خوابند. کل حیوانات تشنه می‌شوند. هر حیوانی از موجودیتش دفاع می‌کند.

از این ویژگی‌ها در ادبیات دینی با اصطلاح غریزه یاد می‌کنند. روان‌شناسان به این مشخصه‌ها سائق می‌گویند.

اما خداوند در میان تمام حیوانات، حیوان خاص و ویژه‌ای خلق کرد و به این حیوان خاص امتیازهایی داد که در حیوانات دیگر نیست؛ مثل زیبایی دوستی. فکر نمی‌کنم وقتی ساربان کجاوه‌ای روی شتر می‌گذارد، شتر بگوید باید آن را با پارچهٔ مخمل ببوشانی. فقط انسان است که وقتی صبح می‌خواهد از خانه بیرون برود، جلوی آینه می‌ایستد و سر و لباسش را رصد می‌کند. به این زیاده‌دوستی در ادبیات دینی «فطرت» می‌گویند. این کار متأثر از حس زیبایی دوستی است. عشق هم ویژگی دیگر انسان است. شما تاکنون حیوانی را دیده‌اید که عاشق بشود؟ ولی انسان‌ها عاشق می‌شوند.

انسان است که ایثار می‌کند. در شب عملیات دفاع مقدس اعلام می‌کنند چهار نفر داوطلب می‌خواهیم که از میدان مین رد بشوند، زیرا فرصت خنثاسازی مین‌ها را نداریم. به جای چهار نفر ۴۰ نفر داوطلب می‌شوند. این ایثار است که خاص انسان است. حیوانات دیگر نمی‌دانند ایثار چیست. پس ایثار در انسان نوعی فطرت است، چون هیچ حیوان دیگری مانند آن را ندارد. پس هر چیز جدیدی که در انسان وجود دارد و در حیوانات دیگر نیست، «فطرت انسانی» نام دارد.

از قول مرحوم استاد محمدتقی جعفری نقل است که می‌فرمودند: «برای انسان حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ فطرت شمرده شده است؛ از جمله اینکه انسان فطرت ایثار (بذر ایثار) دارد، فطرت استقلال طلبی دارد، فطرت عدالت‌خواهی دارد، فطرت خلایقیت دارد. پس ما یک فطرت نداریم، بلکه فطریات یا فطرت‌ها داریم.»

پس وقتی می‌گوییم «فطرت»، یعنی بذر فلان کار را خداوند در نهاد ما نهاده است. مثل بذر حقیقت‌جویی یا همان فطرت حقیقت‌جویی.

فطرت خداجویی یا بذر خداجویی

اما فطرتی که زیانزد و معروف است، فطرت خداجویی است. یعنی خدا بذر (فطرت) خداجویی را در ما انسان‌ها گذاشته است. ممکن است بپرسید، اگر فطرت خداجویی داریم، چرا افرادی بت‌پرست می‌شوند؟ باید بگوییم این می‌شود «خداگرایی».

«خداجویی» فطری است، اما «خداگرایی» اکتسابی است. ممکن است در خداگرایی انحراف به وجود آورند. به این ترتیب که به طرف می‌گویند این چوب یا این سنگ پروردگار توست.

در مورد غریزه، می‌گویند ما یک غریزه نداریم، بلکه غرایز داریم. همین‌گونه ما فطرت نداریم، فطرت‌ها داریم. با این مفهوم یک غریزه یا یک فطرت نیست، بلکه غریزه‌ها و فطرت‌ها درست هستند.

در اسناد تحول به آیهٔ مبارکهٔ ۳۰ سورهٔ روم خیلی استناد شده است: «فاقم وجهک للدين حنیفاً فطرت الله التي فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله ذلك الدين القیم و لكن اکثر الناس لا یعلمون.»

بتوانند براساس آن با برنامه‌های پیش‌رو در آموزش و پرورش آشنا شوند. در غیر این صورت چگونه می‌توانند برنامه‌های تحولی را در مدرسه دنبال کنند! از این رو، مقالهٔ «فطرت‌گرایی توحیدی به زبان ساده» تقدیم شما می‌شود تا بستری فراهم کند برای مطالعات شما عزیزان در این زمینه.

قریب یک دهه است که اسناد تحولی آموزش و پرورش تهیه و تصویب شده‌اند و مقام معظم رهبری همواره تأکید داشته‌اند که این اسناد باید اجرایی شوند. در این میان، معاونت‌ها و سازمان‌های گوناگون آموزش و پرورش دست به کار شده و اقداماتی انجام داده‌اند. مبانی نظری تحول در آموزش و پرورش به همت تعدادی از کارشناسان و نخبگان علوم انسانی تهیه و تدوین شده است و در آنجا قید شده که رویکرد «فطرت‌گرایی توحیدی» اصلی‌ترین نوع نگاه جامعهٔ اسلامی به انسان است که انسان بر اساس آن به دنیا می‌آید. برای تشریح و بسط این عبارت کلیدی، این جانب در جلسه‌ای که بین تعدادی از همکاران سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در این باره تشکیل شده بود، توضیحاتی دادم که خلاصهٔ آن تقدیم شما می‌شود.



به این سه واژه عنایت بفرمایید: ۱. غریزه؛ ۲. طبیعت؛ ۳. فطرت. ما معمولاً «طبیعت» را دربارهٔ موجودات بی‌جان به کار می‌بریم؛ البته به ندرت دربارهٔ جانداران هم استفاده می‌شود. می‌گوییم طبیعت بشقاب پلاستیکی، شناوری روی آب است. یا طبیعت شیشه، شکستن است. یا طبیعت چوب، آتش گرفتن آن است.

اما حیوانات با غریزه پیوند دارند. حیوانات، به قول روان‌شناسان، سائق‌ها یا انگیزش‌هایی دارند که به آن‌ها غریزه می‌گویند. آن‌ها از روی غریزه از موجودیت خودشان دفاع می‌کنند، تولیدمثل می‌کنند، از بچهٔ خود تا مدتی نگهداری می‌کنند و دنبال غذا می‌گردند. همهٔ این کارها غریزی و ناخودآگاه هستند.

اما فطرت چه کاره است؟ فطرت در لغت یعنی ابتکاری. یعنی خلاقانه. یعنی طرح اولیه یا خلقت بدون سابقه.

ابن عباس، عموزادهٔ پیغمبر (ص)، می‌گوید: کلمهٔ فطرت در زمان ما اولین بار در قرآن آمده است. او می‌گوید، من معنی فطرت را نمی‌دانستم، تا اینکه هنگام عبور از بیابانی، دو نفر عرب را دیدم که داشتند سر یک چاه آب مشاجرہ می‌کردند. یک طرف دعوا به طرف دیگر گفت: «أنا فطرُها»، یعنی اول من چاه را کردم. این جا بود که متوجه شدم فطرتی که در قرآن کریم آمده، به چه معناست؛ یعنی چیزی که یک نفر بدون سابقهٔ قبلی خلقش کند و برای اولین مرتبه ایجاد کرده باشد. (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، جلد ۳، ص ۴۵۸) خداوند در قرآن کریم فرموده است: «قل اللهم الذی فاطر السموات و الارض» (زمر/۴۶) یعنی خداوند کسی است که اولین بار آسمان‌ها و زمین را خلق کرد. ما انسان‌ها مهندسی معکوس (تقلید) می‌کنیم، اما خداوند بدون تقلید خلق می‌کند.

پس از توضیح معنای لغوی فطرت، به این مثال می‌رسیم. شما هر نوع حیوانی را می‌خواهید در نظر بگیرید؛ اسب، شیر و موش و ... تمام حیوانات تولیدمثل می‌کنند. همهٔ





فقط اسب در میان حیوانات شیهه می‌کشد. شیهه کشیدن فطرت اسب به حساب می‌آید، زیرا حیوان دیگری شیهه نمی‌کشد. یا گربه میومیو می‌کند. حیوان دیگری این صدا را در نمی‌آورد. پس میومیو متأثر از فطرت گربه است.

فطرت جاودانگی طلبی

پس اگر می‌گوییم رویکرد برنامه‌دروسی ما در نظام جمهوری اسلامی ایران رویکرد فطرت‌گرایی است (اینجا فعلاً با توحیدی‌اش کاری نداریم)، یعنی بذرهایی را که خداوند در وجود انسان قرار داده (که به نمونه‌هایی اشاره شد)، باید پرورش بدهیم. اتفاقاً خداوند هر بذری را که در نهاد انسان تعبیه کرده و ما به آن فطرت می‌گوییم، پاسخ به آن را نیز در بیرون از وجود انسان قرار داده است.

نیاز به جاودانگی نیز یکی از فطرت‌های آدمی است. قصه آب حیات حاصل پاسخ‌گویی به نیاز جاودانگی است. اینکه در اسطوره‌ها می‌خوانید اسفندیار رویین‌تن بود یا در اساطیر یونانی آشیل رویین‌تن بود، حاصل تقلای انسان برای جاودانگی است. اما همین انسان در می‌یابد که آدمی در این جهان، با این جسم مادی، امکان جاودانگی ندارد. لذا دو چشم اسفندیار و پاشنه پای آشیل نقطه‌هایی آسیب‌پذیرند و از همین نقطه، مرگ راه خود را می‌یابد. اما خداوند جاودانگی را در زندگی دیگر و در دنیایی دیگر غیر از این دنیا قرار داده است.

با اندکی توجه می‌توان دریافت، خداوند پاسخ به هر فطرت درونی آدمی را در بیرون قرار داده است. پس، طبق رویکرد فطرت‌گرایی در برنامه‌دروسی ملی، ما باید در نظام آموزشی تربیتی کاری کنیم که مثلاً بچه‌ها عاشق بار بیابند؛ منتها نه «عشقی که از پی رنگی بود؛ زیرا که آن عشق نبود، عاقبت ننگی بود.»

بچه‌ها باید دنبال عشق واقعی بروند. می‌گویید مگر ژاپنی‌ها این کار را نمی‌کنند؟ مگر در اروپا بچه‌ها را طوری آموزش نمی‌دهند که خلاق بار بیابند؟ می‌دانید که خلاقیت یکی از فطرت‌های انسان است.

پس از این نظر، بین ما، ژاپنی‌ها، اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها تفاوتی وجود ندارد، اما این فرق هست که آن‌ها در بعضی مسائل جلوتر از ما حرکت می‌کنند و ما در بعضی مسائل از آن‌ها جلوتر هستیم. در ژاپن وقتی زلزله می‌آید، مردم برای گرفتن اقلام لازم صف می‌ایستند تا عدالت رعایت شود و به همه برسد، زیرا عدالت‌خواهی نیز فطرت دیگر آدمی است.

به زبان ساده و همه‌فهم، یعنی ما بچه‌ها را عاشق واقعی بار بیآوریم، نه عاشق رنگ و لعاب. یعنی بچه‌هایمان را اینترگر پرورش بدهیم. یعنی کاری کنیم فرزندان استقلال طلب بشوند و جلوی زیاده‌خواهی‌های خارجی بایستند. جلوی ظلم بایستند. عدالت‌خواه باشند. چگونه می‌شود به این آرزوها عینیت بخشید؟

اما ما با هدف پرورش فطرت در نظام آموزشی خودمان، تبصره‌ای در برنامه‌دروسی ملی قرار دادیم با این عنوان «رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی» و این تبصره، فطرت‌گرایی نظام آموزشی ما را از نظام‌های آموزشی دیگر متمایز می‌کند. و نام آن را می‌گذاریم فطرت‌گرایی توحیدی.

ترجمه براساس المیزان: حال که روشن شد آفرینش و تدبیر هستی در اختیار خداست و او شریکی ندارد و کسانی که از وی روی گردانده‌اند در رستاخیز راه نجاتی ندارند، پس روی خود را به این دین بگردان و بی‌آنکه به راست یا چپ‌گرایی، تنها به آن چشم بدوز. بر این دین پایدار باش. دینی که فطرت‌خدادادی است، تو را به آن گرایش می‌دهد؛ همان فطرتی که خدا همه انسان‌ها را بر آن آفریده است. آفرینش خدا دگرگونی ندارد، یعنی با گوناگونی افراد و گوناگونی زمان‌ها و مکان‌ها، تغییر نمی‌پذیرد. این است دین استوار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

ای پیامبر توجه خود را کامل به دین بکن. علامه طباطبایی می‌فرماید: از «دین» منظور اسلام است. یعنی ای پیامبر توجه کامل خود را متوجه دین اسلام بکن. چطور؟ «حنیفاً». مثالی بزنم. اگر شخصی به بنده بگوید، این خودکار را بردار و به دفتر ببر. من وقتی این خودکار را برمی‌دارم و بدون توجه به این طرف و آن طرف و چیز دیگر، یکرست خودکار را به دفتر آن شخص می‌برم، من در بردن خودکار «حنیفم». یعنی به جایی دیگر گرایش پیدا نکرده‌ام. «فطرت‌الله»، فطرت‌خدايي که خداوند آن را بدون سابقه آفرید.

«التي فطر الناس عليها»: «ال» که سر ناس آمده، یعنی همه مردم (خانم و آقا، ایرانی و آمریکایی، اروپایی و آفریقایی) را براساس فطرت خلق کرده است. «لا تبدیل لخلق الله»: در خلقت خدا تبدیلی صورت نمی‌گیرد. این‌طور نیست که به یکی فطرت بدهد و به دیگری ندهد. یا در سال ۱۴۰۰ یک جور و در سال ۱۹۰۰ یک جور دیگر خلق کند. «ذلک الدین القیم»: این همان دین پایدار و استوار است. «و لکن اکثر الناس لا یعلمون»: متأسفانه اکثر مردم این موضوع را نمی‌دانند.

جالب است که این آیه در مکه نازل شد. یعنی پس از آنکه پیامبر(ص) از مدینه به مکه برگشت. سوره انعام نیز در مکه نازل شد. این آیه روم بعد از سوره انعام به رسول خدا(ص) نازل شد. در سوره انعام خداوند به حضرت ابراهیم(ع) می‌فرماید، بگو: «انی وجهت وجهی للذی فطر السماوات و الارض» (انعام/۷۹).

من توچهم کاملاً به خداوند است؛ همان خداوندی که آسمان و زمین را نوپدید آورنده است.

فرق فطرت‌ها با غرایز

فرق فطریات با غرایز چیست؟ غریزه موجودیت مادی حیوان را حفظ می‌کند، اما فطرت‌ها طوری عمل می‌کنند که انسان را به سوی کمال هدایت می‌کنند. هیچ فطرتی نیست که سبب نزول و سقوط و هبوط انسان شود. فطرتی که خداوند در انسان تعبیه کرده، آدمی را به کمال می‌برد و سبب رشد وی می‌شود. اصلاً کمال‌خواهی یکی از فطرت‌هاست.

پس هر چیز جدیدی که خداوند در هر حیوان تعبیه کرده و آن چیز در حیوان دیگری نیست، فطرت آن حیوان نام دارد؛ مانند اینکه: